




The Story of the City of Brass: The Reminiscence of Khavarannameh in Spanish Aljamiado Manuscripts

Saeed Feizabadi 

PhD student in comparative literature at the University of Oviedo, Spain. Email: s.feizabadi8363@gmail.com

Received: 2023/11/05	Revised: 2023/12/17	Accepted: 2024/4/16	Published: 2024/7/20
Citation: Feizabadi, Saeed. (2024). "Title of the article: The Story of the City of Brass: The Reminiscence of Khavarannameh in Spanish Aljamiado Manuscripts." <i>Epic Knowledge and Wisdom</i> . 1 (2), 71-94. doi: https://doi.org/10.22067/JMELS.2024.85199.1015			

Abstract


This text studies a reminiscence of some of *Khavarannameh/ Xāvarān Nāma* stories in one of the manuscripts found in Spain - known as the *Aljamiado* - and explores the possibility that the authors of these texts imitated this Persian work. The *Khavarannameh* by Ebn Ḥosām Xusfi, an epic-religious imitation of the *Shahnameh*, describes the adventures of Ali, as a Shiite hero, on an unreal journey to the lands of Khavaran, the Golden City and the Coastal city as well as his battles against Salsal Shah etc. On the other hand, the *Story of the city of Brass (Alhadiz de Ciudad de latón)*, an Aljamiado text, also narrates a similar journey, but without specific parts of *Khavarannameh*. In this investigation, using analytical-descriptive method, first, structural similarities and differences between the narratives of these two collections introduces a brief reference to folkloric elements and motifs. Then, through a comparative analysis, from a historical and chronological perspective, these differences and narrative changes are explained, especially in the religious area. Finally, the possibility of imitation from Persian texts in Spain will be discussed.

Keywords: *Shahnameh*, *Khavarannameh*, Aljamiado, motif, religious epic, morisco.





داستان شهر مسی: بازتاب خاوران‌نامه در دست‌نوشته‌های اسپانیایی الخمیادو

سعید فیض‌آبادی 

دانشجوی دکتری ادبیات تطبیقی، دانشگاه اَبیدو، اسپانیا. s.feizabadi8363@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۴	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۹/۲۶	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸	تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۴/۳۰
استناد: فیض‌آبادی، سعید. (۱۴۰۳). «داستان شهر مسی: بازتاب خاوران‌نامه در دست‌نوشته‌های اسپانیایی الخمیادو». دانش و خرد حماسی، ۱ (۲). ۷۱-۹۴. doi: https://doi.org/10.22067/JMELS.2024.85199.1015			

چکیده

پژوهش حاضر به بازتاب شماری از داستان‌های خاوران‌نامه در برخی دست‌نوشته‌های یافته‌شده در اسپانیا -که به نام الخمیادو شناخته می‌شوند- می‌پردازد و احتمال تقلید نویسندگان این متون از این اثر پارسی را بررسی می‌کند. خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی که به تقلید از شاهنامه و به سبک حماسی-مذهبی سروده شده است، ماجراهای حضرت علی (ع) را به عنوان قهرمانی شیعه در سفری غیر واقعی به سرزمین خاوران و شهر زرین و شهر ساحلی و نیز جنگ‌های آن حضرت در برابر صلصال شاه و غیره شرح می‌دهد. از سوی دیگر متن الخمیادو حدیث شهر مسی نیز بازگوکننده سفری مشابه، اما فاقد بخش‌های ویژه‌ای از خاوران‌نامه است. با معرفی نسخه اسپانیایی؛ نخست تلاش بر آن است تا با روش تحلیلی - توصیفی و اشاره‌ای مختصر به بن‌مایه‌های فولکلور، شباهت‌های ساختاری میان روایت‌های این دو مجموعه و دلایل تفاوت میان آن‌ها با بررسی تطبیقی شناسایی شوند سپس از دیدگاه تاریخی و کروئولوژی و بررسی تطبیقی، تفاوت موجود میان ساختار و تغییرهای روایی این دو مجموعه به‌ویژه در حوزه مذهبی توضیح داده شوند تا در پایان به احتمال تقلیدی بودن متن‌های اسپانیایی نیز پاسخ داده شود.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، خاوران‌نامه، الخمیادو، موتیف، حماسه دینی، مورسکو.

مقدمه

ادبیات فارسی شامل منظومه‌هایی است که روایتگر قهرمانی‌ها و دلآوری‌های شخصیت‌های گوناگون است. این روایت‌ها زمانی که رنگ و بوی ملی به خود می‌گیرند، می‌توانند به حماسه تبدیل شوند. با این حال واژه حماسه در ادبیات ایران تازگی دارد و از زمان جشن هزاره فردوسی این واژه به شاهنامه و سایر آثار تقلیدی از آن اطلاق شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۰). ذبیح‌الله صفا برای نخستین بار دست‌نوشته‌هایی به نگارش درآمده در وصف فضایل پیامبر (ص) و امامان (ع) را منظومه حماسه دینی نام‌گذاری کرد (صفا، ۱۳۳۲: ۷). در این میان بیشتر منظومه‌های جنگاوری دینی درباره علی بن ابی‌طالب (ع) است که در دوره صفوی در پی انتخاب شیعه به عنوان مذهب رسمی ایران رونق بیشتری یافتند (صفا، ۱۳۴۷: ۱۸۵).

شاید بتوان گفت که منظومه‌های دینی در واقع یکی از نتایج رقابت مناقب‌خوانان و فضایل‌خوانان هستند.^۱ باید توجه داشت که این فضایل‌خوانان به واقعیت حوادث و مستندات توجه چندانی نداشتند و به این ترتیب بخش اعظم روایت‌ها را مطالبی بی‌پایه و اساس و غیر واقعی و افسانه تشکیل می‌دهد. این مسئله گاه تا آن حد پیش می‌رود که تنها نام‌های افراد و مکان‌ها (برای مثال، نام آن حضرت و اصحاب و شهرهای مدینه و مکه) مطابق با واقعیت است و سپس تمامی روایت و اعمال شجاعانه نسبت داده شده به شخصیت‌هایی مانند امیرالمؤمنین (ع) ساخته و پرداخته ذهن نویسنده یا شاعر بوده است. در این روایت‌ها، علی بن ابی‌طالب (ع) از ویژگی‌های یک قهرمان حماسی برخوردار شده و به این ترتیب از یک شخصیت تاریخی-مذهبی به شخصیتی شبه‌حماسی^۲ و مذهبی تغییر پیدا کرده است یا گاه فراتر از آن می‌رود. فرار لشکر چند ده هزار نفری دشمنان تنها با فریاد آن حضرت، دراز شدن ذوالفقار تا هفتاد متر در میدان جنگ، مبارزه با دیوان و اجنه و اژدها و موجودات خارق‌العاده تنها گوشه‌ای کوچک از عملکردهایی افسانه‌ای هستند که به آن حضرت نسبت داده شده و متأسفانه، در باور شیعیان و کتاب‌ها راه یافته‌اند.

علاوه بر عدم موفقیت در به کارگیری مؤلفه‌های قهرمان‌سازی و خرق‌عادت در این منظومه‌های دینی، قدر مسلم آن است که هیچ‌کدام به رغم پیروی از سبک فردوسی در سرودن شعر، حتی از لحاظ زیبایی و کاربرد آرایه‌های ادبی قابل مقایسه با شاهنامه نیستند. تعداد پژوهش‌های علمی نیز در این زمینه بسیار کم است. صفا آثاری همچون جنگ‌نامه آتشی^۳ را فاقد ارزش و اعتبار ادبی می‌داند (صفا، ۱۳۳۲: ۳۹۰؛ همو ۱۳۶۹: ۵-۵۸۴). آیدنلو معتقد است که تقلید از فردوسی یکی از دلایل اصلی عدم توجه به این منظومه‌هاست (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۱۰). اما با مروری ساده بر این آثار می‌توان نظر صفا را درست‌تر دانست. شاید دلیل اصلی بی‌علاقگی عامه مردم به خواندن این منظومه‌ها و دوری محققان از مطالعه دقیق آن‌ها نه به خاطر تقلیدی بودن بلکه به این خاطر است که جدای از ساختگی و افسانه‌ای بودن آن‌ها، تقریباً عاری از هر

گونه زیبایی ادبی و هنری و در بیشتر مواقع بسیار عامیانه و مملو از اشتباهات لغوی، ساختاری و غیره هستند. شهبازی زبان این منظومه‌ها را نه حماسی بلکه غنایی، کم‌کیفیت و نشان‌دهنده بی‌سوادی شاعر و نویسنده ارزیابی می‌کند (۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۰۴).

شایان ذکر است که آثار شبه‌حماسی-مذهبی تنها در ایران رواج نداشتند. برخی دست‌نوشته‌های یافت‌شده در اسپانیا که با نام *الْحَمِيَادُو*^۳ شناخته می‌شوند - که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد - روایتگر جنگ‌هایی هستند که میان قبایل عرب یا میان مسلمانان با سایر ملل در اوایل گسترش دین اسلام رخ داده است. برای دریافتن چگونگی رسیدن این داستان‌ها به کشوری که تقریباً در غربی‌ترین سمت قاره اروپا قرار دارد، نخست نحوه رواج آن‌ها در میان دولت‌های اسلامی و سپس چگونگی انتقال آن‌ها به اسپانیا بررسی می‌شود.

برخی روایت‌های حماسی ایرانی، که بعدها فردوسی آن‌ها را در اثر خود آورد، در میان قبایل عرب تقریباً هم‌زمان با اسلام معرفی شد. نصر بن حارث - که موسیقی می‌دانست و داستان می‌سرود - به منظور مقابله با آیه‌های قرآن تلاش کرد داستان‌هایی نظیر «رستم و سهراب» و «رستم و اسفندیار» را که در سفرهای خود شنیده بود در میان افراد قبایل در مکه بخواند^۴ و می‌گفت که روایت‌هایی زیباتر از قرآن برای آنان به ارمغان آورده است که البته این اقدام به قیمت جانش تمام شد (محبوب، ۱۳۷۱: ۶۸). با راه یافتن اسلام به ایران مسلمانان تقریباً هر دست‌نوشته و متنی که درباره قرآن نبود سوزاندند یا به آب انداختند. ابن‌خلدون تصریح می‌کند که سعد بن وقاص از عمر بن خطاب، امیرالمؤمنین وقت، درباره پیدا کردن بی‌شمار دست‌نوشته در ایران پرسید و وی دستور داد هر آنچه را غیر از قرآن است نابود کنند (Shafa, 2000: 20). به این ترتیب، نخستین قرن‌های سلطه اسلام در ایران با نابودی و انحطاط فرهنگ همراه بود. در تقابل با آن، نهضت ترجمه آثار فارسی، یونانی و غیره به عربی به منظور حفظ آن‌ها از نابودی کامل آغاز شد. این فعالیت‌ها بعدها در دربار اموی و عباسی ادامه پیدا کرد و حتی به امری فاخر و مورد استقبال خلیفه‌های وقت تبدیل شد. مترجمان توانمند ایرانی، از جمله ابن مقفع و ثعالبی و طبری، که به عربی تسلط کامل داشتند، به تبدیل این آثار به این زبان همت گماشتند و باعث نجات این آثار شدند. ترجمه عربی شاهنامه بنداری نیز، با تمامی بخش‌های حذف شده به دلخواه وی، شاید نخستین ورود رسمی داستان‌های حماسی ایران به کشورهای عربی محسوب شود^۵.

این تأثیر با گسترش اسلام به قاره آفریقا و سپس به اروپا از محدوده کشورهای همجوار فراتر رفت. باید توجه داشت که بسیاری از نهضت‌های ترجمه و مدارس و مراکز علمی تنها با حمایت مالی و اداری خلیفه وقت امکان‌پذیر بودند. این به آن معناست که این فعالیت‌ها تنها در ایران یا کشورهای همسایه پیگیری نشدند.

حکومت‌های اسلامی عباسی و اموی که در اسپانیا نیز خلافت داشتند، به این فعالیت‌ها علاقه وافری نشان دادند و روایت‌های مختلف برای سرگرمی خلیفه یا مردم در مجالس خوانده و اجرا می‌شد.^۱ دلیل مهم دیگر برای ارائه آثار در بارگاه رهبران اسلامی اطمینان نسبی از در امان ماندن آن آثار از نابودی بود، اما با شروع بازپس‌گیری این کشور توسط اسپانیایی‌های مسیحی و کاهش نفوذ حکومت اسلامی، مسلمانان مقیم اسپانیا به جای تولید محتوا به تبدیل و نگهداری متون پرداختند که برخی از آن‌ها به دست ما رسیده‌اند.

این مقاله نخستین پژوهش در حوزه متن‌های الکَمیادو به زبان فارسی است و در آن سعی بر آن است تا با روش تطبیقی و نیز تا حدودی تحلیلی-توصیفی، نخست متن‌های الکَمیادو به صورت خلاصه معرفی شوند و سپس با نگاهی کلی به ساختار داستان و بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه تامپسون^۲ در خاوران‌نامه و همچنین در متن الکَمیادو حدیث شهر مسی، برخی مؤلفه‌های روایی مشترک و متفاوت مورد بررسی قرار گیرند. علاوه بر آن، این احتمال مطرح خواهد شد که ممکن است متن الکَمیادو مورد نظر برگرفته از خاوران-نامه باشد.

پیشینه

خاوران‌نامه، در میان منظومه‌های حماسی دینی، قدیمی‌ترین به شمار می‌رود، اما این پیشینه با کشف و معرفی علی‌نامه دست‌کم چهار قرن به عقب برده شد و به حدود هفتاد سال پس از سرایش شاهنامه فردوسی رسید.^۳ داستان داستان‌ها؛ تأملی بر خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی کتابی است که شهریانو حق‌شناس پس از دفاع رساله ارشد خود منتشر کرده است و در آن ابعاد متنوعی از حماسه و اسطوره میان شاهنامه و این منظومه را نقد می‌کند (حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۹۱). دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی مشهد درباره خاوران‌نامه وجود دارد که حیدرعلی خوشکنار نیمه نخست این کتاب و حمیدالله مرادی نیمه دوم آن را مورد پژوهش قرار داده‌اند (ساکت، ۱۳۸۸: ۷۵). لازم به ذکر است که مرادی کتابی بر اساس پایان‌نامه خود با عنوان تازیان‌نامه پارسی: خلاصه خاوران‌نامه منتشر کرده است. عباس بگ‌جانی و حکیمه دبیران در «کتاب-شناسی منظومه‌های دینی درباره امام علی (ع)» به معرفی و دسته‌بندی کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های به نگارش درآمده در حوزه منظومه‌هایی که درباره امیرالمؤمنین (ع) هستند، پرداخته‌اند (۱۳۸۹: ۴۹-۶۴). علی‌اکبر رضانی و فریبا عطا شیبانی در «جلوه‌هایی از حضور امام علی (ع) در شعر ابن حسام خوسفی»، برخی از افسانه‌های منسوب به آن حضرت را بررسی کرده‌اند.^۴ «حماسه‌سرایی دینی در ادب فارسی» عنوان مقاله‌ای از اصغر شهبازی است که در آن برخی ویژگی‌های این نوع منظومه‌ها را مطالعه می‌کند. فرزاد قائمی نیز در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «رستم را که کشت؟ بهمن یا شغاد: تحلیل منابع داستان فرجام رستم بر پایه

تطبیق اسناد رسمی و عامیانه» ضمن معرفی کوتاه خاوران‌نامه، به روایت مرگ رستم در این اثر می‌پردازد (۱۴۰۰: ۳۱۰-۳۰۲). رجیبی و دلشاد نیز در مقاله «مطالعه تطبیقی حکایت شهر مس در بستر تاریخ و افسانه» علاوه بر معرفی فرمانده مسلمانان در فتح آندلس از لحاظ تاریخی و شخصیت شکست‌ناپذیر داستانی وی، جنبه‌های مختلف این روایت را در ترجمه تسوجی/طسوجی در هزار و یک شب با منابع تاریخی آن مقایسه کرده‌اند.

متن‌های اَلْحَمِیَادُو

واژه اَلْحَمِیَادُو، احتمالاً از عجم به معنای «غیرعرب، خارجی» می‌آید. دست‌نوشته‌های اَلْحَمِیَادُو متن‌هایی هستند که مسلمانانی که به‌دلخواه یا به‌اجبار به مسیحیت تغییر مذهب داده و در اسپانیا مقیم شده بودند - و با نام موریسکو^{۱۰} شناخته می‌شوند - به الفبای عربی اما به صورت ترکیبی از اسپانیایی و عربی نوشته‌اند. بیشتر این متن‌ها به قرن‌های چهارده الی هفده میلادی تعلق دارند و در کتابخانه‌های مختلف مانند کتابخانه ملی مادرید^{۱۱} یا کتابخانه «وزارت علوم و تحقیقات» اسپانیا^{۱۲} نگهداری می‌شوند. یکی از دلایل اصلی ایجاد این نوع از نگارش را باید در اقامت مسلمانان در اسپانیا^{۱۳} پس از فتح این کشور جست‌وجو کرد. مسلمانان - که در واقع چندین نسل در این کشور اروپایی زندگی کرده بودند - به دلایل مختلف از جمله دوری از مرکز خلافت و ارتباط کم با عرب‌زبانان و هم‌زیستی با اسپانیایی‌ها رفته رفته با زبان مادری خود تا حدود زیادی بیگانه شدند^{۱۴}. این امر حتی در متن‌های مذهبی نیز کاملاً احساس می‌شد. برای مثال فقیه اعظم شهر سگویا^{۱۵} مجبور شد خلاصه مجموعه احکام اصلی قانون قرآنی^{۱۶} را به اسپانیایی بنویسد (Corriente, 1990: 17). به این ترتیب زبان دست‌نوشته‌های تولید شده در این دوران هر چند در ظاهر عربی است، خوانش و ویژگی‌های زبان‌شناسی آن‌ها تا حدودی متفاوت با آن است.

تقریباً تمامی محققانی که با دست‌نوشته‌های اَلْحَمِیَادُو آشنایی دارند بر این باور هستند که این متن‌ها، از جمله دست‌نوشته معرفی شده در این مقاله، از عربی و با زمینه‌ای مذهبی گردآوری شده‌اند^{۱۷}. برای مثال دست‌نوشته شماره T.5 مجموعه گینگس^{۱۸} که در رئال آکادمی تاریخ^{۱۹} نگهداری می‌شود، شامل برخی سوره‌های قرآن به همراه تفسیر آن‌هاست (Feizabadi, 2019: 4). با این حال بیشتر محققان بر جنبه زبان‌شناختی اَلْحَمِیَادُو تمرکز داشته‌اند. آلبرتو مُنتِنِر فروئس^{۲۰} از جمله معدود محققانی است که زمینه ادبی این دست‌نوشته‌ها را نیز بررسی کرده است، اما وی نیز بر دو زمینه مذهبی و زبان‌شناسی آن تأکید دارد (Montaner, 1988a : 40). منتنر همچنین تحلیلی درباره مفاهیمی مانند «فتوت» و «جوانمردی» در این داستان‌ها انجام داده است و بیان می‌کند که در طول زمان نوع جدیدی از قهرمان ایجاد شده که در واقع یک

«مبارز برای ایمان» است (Montaner, 1988b: 9). دست‌نوشته‌های اَلْحَمِیادو بسیاری موضوعات از جمله کشاورزی و پزشکی و آداب و رسوم مذهبی و خرافات و غیره را شامل می‌شوند. گلمس دِ فوئنتیس^{۲۱} مجموعه‌ای از متن‌هایی را که روایتگر جنگ‌های مسلمانان با دیگر قبایل عرب و نیز با سایر ملل در دوران گسترش این دین هستند در کتاب جنگ‌ها^{۲۲} جمع‌آوری کرده است. شماری از دست‌نوشته‌های اَلْحَمِیادو داستان‌های پیامبران مانند حضرت موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) و برخی اصحاب وی و نیز ماجراهای گوناگونی درباره خلفای اسلامی را روایت می‌کنند که برخی از آن‌ها در کتاب روایت‌های مقدسان و نامقدسان دست‌نوشته اَلْحَمِیادو اوررآدِ خَلون^{۲۳} از فدریکو گُری پنته کوردوبا^{۲۴} با مقدمه‌ای از ماریا خسوس بیگرا ملینس^{۲۵} گرد آمده‌اند. در این پژوهش به یکی از این دست‌نوشته‌ها با نام حدیث شهر مسی^{۲۶} پرداخته خواهد شد.

ویژگی‌های دست‌نوشته حدیث شهر مسی

حدیث شهر مسی در کتاب روایت‌های مقدسان و نامقدسان دست‌نوشته اَلْحَمِیادو اوررآدِ خَلون معرفی شده است و نسخه‌ای از آن در دست‌نوشته شماره ۵۳۰۵ کتاب‌خانه ملی اسپانیا یافت می‌شود. عنوان این دست‌نوشته با توجه به معنای کلمه *latón*^{۲۷} می‌تواند حدیث شهر برنجی نیز باشد. در این صورت با منطقه‌ای که در خاوران‌نامه (مرادی، ۱۳۷۸: ۲۰۴) به عنوان حصن برنج نام برده می‌شود هماهنگی دارد^{۲۸}. دست‌نوشته حدیث شهر مسی ۲۰۴ برگه دارد و حدس می‌زنند که برخی برگه‌های نخستین و پایانی آن از دست رفته باشد. به غیر از این برگه‌های از دست رفته، ۱۲ برگه جدا شده و به صورت نامرتب شماره‌گذاری شده و سایر برگه‌ها در دفترچه‌های دوازده برگه‌ای با سوزن به یکدیگر دوخته شده‌اند و در مجموع ۱۶ دفترچه را تشکیل می‌دهند^{۲۹}. گُری پنته در زمان بررسی این نوشته‌ها متوجه جابه‌جایی شماری از برگه‌های پایانی در بخش نخستین و برگه‌های آغازین بخش دوم شد، اما همان‌طور که وی در کتاب خود ذکر کرده از صفحه ۱۷۰ به بعد به شماره‌گذاری به روال عادی ادامه داده است. به نظر می‌رسد که بعدها برخی نکات و نوشته شخصی به قسمتی از برگه ۱۴۶ که سفید بوده اضافه شده است. شماره‌گذاری در دفترچه‌ها نامنظم و رنگ جوهر استفاده شده در آن‌ها مشکلی است. نوع خط مغربی عادی و متن توسط بیش از یک نفر نوشته شده است و خوش‌نویسی نسبی در آن مشاهده می‌شود به گونه‌ای که مصححان متن حدیث شهر مسی بر این باورند که هدف از آن دست‌یابی به یک رونوشت با کیفیت مشخص بوده است. شایان ذکر است که در حال حاضر برخی از پژوهش‌ها در اسپانیا به «دوران رونوشت‌برداری» و نیز «رونوشت‌برداران و نویسندگان موریسکو» اختصاص داده شده است^{۳۰}. نام نویسندگان آن مشخص نیست. زبان آن رومنس، اسپانیایی با مؤلفه‌های زبانی (لهجه) منطقه آراگون^{۳۱} است. تاریخ نگارش آن مجهول و در میان صفحه‌های آن برگه‌ای تا

شده در ابعاد ۲۰ در ۱۵ سانتی‌متر یافت شده است که روی هر دو سمت آن نوشته‌هایی دربارهٔ ابلاغیهٔ تبدیل مذهب مسلمانان به مسیحیت در منطقهٔ آراگون از سال ۱۵۲۶ وجود دارد. اندازهٔ هر صفحه ۳۰ در ۲۲ سانتی‌متر است و نوشته‌ها در ابعاد ۲۰ در ۱۴ سانتی‌متر قرار دارند. هر صفحه معمولاً ۲۰ خط دارد. متن حدیث شهر مسی در برگه‌های ۱۴۷ چپ تا ۱۶۷ چپ قرار دارد و در کتاب گُری‌پننه به عنوان متن شمارهٔ شانزده شماره‌گذاری شده است. در بخش معرفی کتاب به صورتی بسیار خلاصه این روایت چنین توصیف شده است:

عبدالملک، خلیفهٔ اموی، که صحبت‌هایی درباره جن‌های زندانی شده توسط سلیمان در کوزه‌هایی^{۳۲} شنیده بود، موسی بن نصیر^{۳۳} را مأمور می‌کند تا شماری از آن‌ها را بیابد. با راهنمایی شخصی سالخورده، از مکان‌هایی گوناگون، تماماً عجیب و غریب، می‌گذرد تا به شهر مسی می‌رسد که تمامی ساکنان آن مرده‌اند و مشخص می‌شود که مردمان افسانه‌ای عاد و ثمود هستند. سپس به کشوری با مردمان سیاه می‌رسد که به صورت معجزه‌آسایی توسط خضر مسلمان شده‌اند و ماهی‌گیران کوزه‌ها را برای وی فراهم می‌کنند. موسی پس از تحویل کوزه‌ها به خلیفه گوشه‌نشین می‌شود.

این موضوع، به عنوان اپیزودی شناخته شده از هزار و یک شب، به صورتی گسترده مورد پژوهش قرار گرفته و در این میان تحقیق میا آی گرهارت^{۳۴} شایان ذکر است. روایت *الْخَمِيَادُو* دیگری از این داستان در دست‌نوشته‌ای که توسط ساآبدرآ^{۳۵} ویرایش و در کتابخانهٔ ملی در مادرید نگهداری می‌شود، شناسایی شده است (Corriente, 1990: 49). به عبارت دیگر، گرهارت بر این باور بوده است که احتمالاً روایت اصلی در هزار و یک شب قرار دارد. این روایت در کتاب هزار و یک شب ترجمه شده به فارسی به نام *خمزه‌های سلیمانی* و مدینه نحاس یا فقط مدینه نحاس و در ترجمهٔ اسپانیایی به نام *Historia prodigiosa de la ciudad de bronce* و در ترجمهٔ انگلیسی که گاه خود کتاب با عنوان *Arabian nights* معرفی می‌شود، *The city of brass* نام دارد. شایان ذکر است که واژهٔ نحاس در لغت‌نامهٔ دهخدا (نسخهٔ آنلاین) به معنای مس است. ذکر این نکته لازم است که کتابی اخیراً به عربی منتشر شده است که در آن ابو حامد الغرناطی (ف. ۱۲ میلادی) را خالق و نویسندهٔ این روایت معرفی می‌کند. الغرناطی، که کتاب *المعرب عن بعض عجائب المغرب* به وی نسبت داده شده، متولد گرانا در اسپانیا بوده و احتمالاً سفری به ایران نیز داشته است. با توجه به آنکه گمان می‌رود خوسفی از کتابی عربی الهام گرفته باشد، بعید نیست کتاب الغرناطی همان منبع خوسفی بوده باشد. در اخبار الطوال نیز از ایرانی بودن نصیر و نیز ساختن شهر مسی سخن به میان آمده است: «گفته شده است که سلیمان در دورترین سرزمین مغرب میان صحراهای اندلس شهری از مس ساخت و مقداری از گنجینه‌های خود را آنجا نهاد و عبدالملک بن مروان به موسی بن نصیر استاندار

خود در آن منطقه که ایرانی و از وابستگان قبیله قیس بود نوشت به سوی آن شهر برود و آن را بررسی کند» (دینوری، ۱۳۴۶: ۲۹-۳۰).

خلاصه^{۳۶} حدیث شهر مسی

متن حدیث شهر مسی با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می‌شود و سپس بدون مقدمه از مجلسی صحبت می‌شود که شخصی به نام طالب بن سهلین داستان سفر خود را درباره پیدا کردن کوزه‌هایی به شکل آدم؛ که در آن‌ها جن‌هایی به دلیل سرکشی از دستورات توسط حضرت سلیمان (ع) زندانی شده‌اند؛ برای عبدالملک بن مروان تعریف می‌کند. خلیفه مسلمانان به وزیر خود دستور می‌دهد تا با نوشتن نامه‌ای به ناخدا^{۳۷} موسی بن نصیر به جست‌وجوی این کوزه‌ها برود. راهنمای این گروه فردی سالمند به نام عبدالوصمد المؤصمد است^{۳۸}. گروه به راه می‌افتد و پس از عبور از صحرایی بی آب و علف، به سرزمینی خوش آب و هوا می‌رسند که حضرت ذوالقرنین (ع) چشمه‌های آن را ایجاد کرده است، اما کسی در قصری که در این سرزمین قرار دارد، زندگی نمی‌کند. پیرمرد اطلاع می‌دهد که تمامی ساکنان آن مرده‌اند و از اینجا تا سرزمین مسی یک سال راه است. روی دروازه قصر، شعرهایی به زبان موریسکو^{۳۹} مشاهده می‌کنند که تنها پیرمرد قادر به خواندن آن‌هاست. پیرمرد تصریح می‌کند که به هفت روش خواندن و نوشتن مسلط است، اما مشخص نمی‌کند که منظور از روش لهجه است یا زبان: «ای شاهزاده! شاد باش که من به هفت روش می‌خوانم و می‌نویسم»^{۴۰} (Corriente, 1990: 232).

تأکید شعرها بر نکوهش مال و خواسته‌های دنیوی و بر ناپایداری و انتقال مال دنیا به دیگران است:

ای آن‌که [در این مکان] متوقف شده‌ای و طالب [هستی]. نیک بنگر که مردمانی در قصر خواهی دید که از روی سروری فرمان می‌رانند و در زمین دفن شده‌اند و مرگ تمام آن‌هایی را که گرد یکدیگر می‌آمدند، از هم جدا ساخت^{۴۱} (Corriente, 1990: 232).

رهبر گروه پس از شنیدن این اشعار به شدت می‌گریزد. در پایین دروازه شعرهایی دیگر در نکوهش جهان نوشته شده است^{۴۲}.

موسی^{۴۳} بار دیگر به شدت گریه می‌کند. مجدداً متنی روی یکی از قبور درباره حتمی بودن مرگ و نابود شدن پادشاهان با عظمت وجود دارد و پیرمرد آن را می‌خواند^{۴۴}.

موسی این بار آنچنان می‌گریزد که از هوش می‌رود. پس از به هوش آمدن، وارد قصر می‌شوند و قبرهای پادشاهان پیشین را می‌یابند که اندازه استخوان‌های آن‌ها به اندازه ۴۰ آرنج^{۴۵}، معادل تقریبی ۲۰ متر است. روی قبرها نیز شعرهایی مانند شعرهای دروازه قصر نوشته شده است^{۴۶}.

گروه پس از گذری کوتاه در قصر به راه خود ادامه می‌دهد و پس از چهار روز به کوهی بلند می‌رسند که در بالای آن سوارکاری از جنس مس قرار دارد و با کمک راهنمای نوشته شده روی آن، مسیر خود را به سمت شهر مسی باز می‌یابند. در مسیر همچنین با موجودی عجیب روبه‌رو می‌شوند که داستان خود را درباره زندانی شدن به دستور حضرت سلیمان (ع) به دلیل سرکشی و جنگ علیه وی با جزئیات فراوان بازگو می‌کند؛ از جمله اینکه تخت سلیمان (ع) به بخت نصر می‌رسد و اینکه تخت نخست به شهر انطاکیه و پس از مرگ بخت نصر به بابلونیا برده می‌شود و به دست شاهی پارسی می‌افتد. شاه پارسی نیز آن را به خانه مقدس^{۴۷} تحویل می‌دهد. پیرمرد راهنما از این موجود عجیب مکان کوزه‌هایی که در آن‌ها سلیمان اجنه را زندانی کرده است، می‌پرسد و وی نیز پاسخ می‌دهد که در دریایی واقع در سرزمینی است با مردمان سیاه که نسب آن‌ها به حضرت آدم (ع) می‌رسد. پس از مدتی به شهر مسی می‌رسند که بسیار تاریک است و مردمان آن همگی مرده‌اند. از آنجا که برای ورود به آن راهی نمی‌یابند، پیرمرد همراه موسی و وزیر شاه به بالای کوهی می‌روند و از آنجا قصرها و ثروت آن را مشاهده می‌کنند. با وارد شدن به ساختمانی نوشته‌هایی روی هفت تخته می‌یابند. پیرمرد این متن‌ها را برای موسی می‌خواند. تخته نخست: ناپایداری دنیا و مرگ شاهان قدرتمند شرقی؛ تخته دوم: حتمی بودن مرگ و نابود شدن مردم عراق و شام و قیامت و بهشت و جهنم؛ تخته سوم: پاسخ دادن به پروردگار و جدا شدن از نزدیکان به واسطه مرگ؛ تخته چهارم: نعمت‌های الهی اعطا شده به انسان و از بین بردن آن‌ها و توصیه به نافرمانی از شیطان؛ تخته پنجم: سرزنش انسان به دلیل فراموشی نعمت‌های الهی و سقوط شاهان سرزمین‌هایی که خورشید در آن‌ها طلوع می‌کند؛ تخته ششم: ابدی نبودن زندگی و خاک شدن شاهان فرانسه و روم؛ تخته هفتم: هشدار به فریب نخوردن از دنیا و توصیه به فرمان برداری از خداوند برای رسیدن به بهشت.

برای وارد شدن به شهر نردبانی بلند می‌سازند، ولی هر بار که یکی از افراد گروه تلاش می‌کند با بالا رفتن از نردبان به بالای دیوار شهر برسد، حیوانی عجیب آن شخص را به داخل شهر پرت می‌کند. پیرمرد داوطلب می‌شود و با خواندن آیات قرآن آن موجود را عقب می‌رانند. با استفاده از اشاره انگشتان مجسمه جنگاوری از جنس مس، راه باز کردن دروازه اصلی را پیدا می‌کنند و وارد شهر می‌شوند که ساکنان آن از قوم عاد و ثمود هستند و همگی خشک شده و مرده‌اند. پس از ورود گروه به شهر، موسی و همراهانش وارد قصر می‌شوند که روی در آن نیز متن‌هایی نوشته شده است. در قصر علاوه بر توصیف باغ‌ها و بوستان - که تقریباً در تمام متن تکرار می‌شود - با بدن مومیایی شده^{۴۸} دختری در نهایت زیبایی روبه‌رو می‌شوند که با انواع طلا و زیورآلات تزئین شده است و تخته‌ای با متنی مشابه اشعار ذکر شده در برابر خود دارد. پس از خواندن متن، طالب^{۴۹} پس از شکستن تخته؛ سر دختر را با شمشیر قطع می‌کند و سایر اعضای گروه به جمع کردن جواهرات و غنائم می‌پردازند. پس از یک ماه سفر و گذر از کوهی بلند به سرزمینی می‌رسند که ساکنان آن سیاه‌پوست هستند

و به دست حضرت خضر (ع) مسلمان شده‌اند و به درخواست گروه دوازده کوزه را از قعر دریا بیرون می‌آورند. گروه با کوزه‌ها به نزد خلیفه در شام برمی‌گردند و یکی از آن‌ها را در حضور خلیفه می‌شکنند. جنی از آن خارج می‌شود که به سمت آسمان می‌رود و از دودی که از کوزه خارج می‌شود صدایی به گوش می‌رسد که می‌گوید: «توبه‌کننده به خداوند هستم و از آنچه از من بوده برگشتم و هیچ‌گاه از پروردگار خود نافرمانی نمی‌کنم». خلیفه پس از دیدن این صحنه و پادشاهی حضرت سلیمان (ع) شگفت‌زده می‌شود. موسی بن نُصَیر، به گفتهٔ راوی داستان، گوشهٔ عزلت می‌گزیند و به عبادت می‌پردازد.

بحث

در نگاه نخست تقریباً ارتباط چندانی میان این روایت و خاوران‌نامه مشاهده نمی‌شود. در واقع مؤلفه‌های فولکلور و داستان‌های عامیانه بیشتر خودنمایی می‌کنند، اما با نگاهی دقیق‌تر و ارائهٔ جزئیات بیشتر شاید این ارتباط مشخص شود.

متن حدیث شهر مسی و خاوران‌نامه دارای بن‌مایه‌های عامیانه از جمله سفر در صحرا و رسیدن به شهری متروکه و موجودات عجیب و غریب و اجنه و اژدها از آن هستند.^{۱۰} هرچند برخی بن‌مایه‌ها به دلیل کلی بودن با بسیاری از داستان‌ها تطابق دارند، اما گاه همین بن‌مایه‌های کلی نیز زمینهٔ اشتراکی میان دو روایت ایجاد می‌کنند. برای مثال پیدا شدن دختری مومیایی شده که سخن می‌گوید می‌تواند با موتیف «فرزندان به قتل رسیده و رها شده یا قربانی‌های بی‌رحمانه»^{۱۱} تا حدودی در ارتباط باشد. قصرها و باغ‌های فراوان در هر دو داستان یادآور موتیف دیگری از مجموعهٔ تامپسون هستند.^{۱۲} با این حال به نظر می‌رسد ساختار دو روایت یکسان نیستند. گاه یک اپیزود در حدیث شهر مسی در اواخر روایت قرار دارد در حالی که اپیزود مشابه در متن فارسی در آغاز یک بخش یا در اواسط روایت (با در نظر گرفتن تمام اثر) جای گرفته است. به‌عنوان مثال، رهبر گروه در حدیث شهر مسی یادگاری حضرت سلیمان (ع) را در بخش پایانی داستان و تقریباً بلافاصله پس از خروج از شهر مسی پیدا می‌کند، اما این اپیزود در متن فارسی پس از عبور حضرت علی (ع) از شهر زرین و جنگ با صلصال شاه و طهماسب شاه و غیره قرار دارد. علاوه بر آن باید در نظر داشت که در خاوران‌نامه مأموریت حضرت علی (ع) در آغاز کتاب نیست بلکه این مأموریت پس از رخداد‌های دیگری به وی محول می‌شود.

بررسی کامل ساختاری بخش‌ها و پیرنگ به دلیل طولانی بودن متن‌های معرفی شده در این متن نمی‌گنجد و مطالعهٔ جداگانه‌ای را می‌طلبد و، به این دلیل به صورت خلاصه به آن می‌پردازیم. ترتیب رخدادها در هر دو داستان نخستین مطلبی است که جلب توجه می‌کند. به عبارت دیگر گروهی با هدفی مشخص

(یافتن یادگاری حضرت سلیمان (ع)/ کوزه‌های حاوی اجنه طلسم شده توسط آن حضرت) از شهر خارج می‌شوند و پس از گذر از بیابان و رسیدن به شهر و اتفاقاتی که در آنجا رخ می‌دهند به مبدأ بازمی‌گردند؛ بنابراین هر دو روایت ساختاری خطی در رخدادها دارند. از طرفی نقطه آغاز روایت و پایان آن یکسان (همان شهر یا مرکز خلافت) است. به این ترتیب پیرنگ داستان دایره‌ای است. جدول زیر نمایی کلی به صورت بسیار خلاصه از پیرنگ داستان و تطابق آن‌ها ارائه می‌دهد:

موضوع تطبیقی	خاوران‌نامه	شهر مسی
دلیل و هدف	یافتن یادگاری حضرت سلیمان (ع)/ مرجع دستور: پیامبر (ص)	یافتن کوزه‌های حاوی اجنه از دوران حضرت سلیمان (ع)/ مرجع دستور: خلیفه
رویدادها	سفر از میان بیابان، رسیدن به شهری متروکه با ساکنانی مرده، یافتن یادگاری	سفر از میان بیابان، رسیدن به شهری متروکه با ساکنانی خشک شده، یافتن یادگاری
پایان داستان	بازگشت موفقیت‌آمیز حضرت علی (ع)	بازگشت موفقیت‌آمیز گروه و تارک‌نشین شدن رئیس این گروه
ساختار رخدادها	خطی	خطی
ساختار پیرنگ	دایره‌ای/ بازگشتی	دایره‌ای/ بازگشتی
بن‌مایه‌های عامیانه	عبور از بیابان، اجنه، شهر متروکه	عبور از بیابان، اجنه، شهر متروکه

با صرف نظر کردن از تفاوت‌های جزئی (مانند یافتن یادگاری حضرت سلیمان (ع) و سپس بیرون کشیدن طلاها و غنایم از قعر دریا در خاوران‌نامه در مقایسه با یافتن کوزه‌های اجنه طلسم شده توسط گروه در قعر دریا در حدیث شهر مسی)، تطابق رخدادها بسیار آسان‌تر می‌گردد. تحلیل و توصیف شباهت رخدادها و تطابق آن‌ها، در کنار تفاوت‌هایی که میان دو روایت وجود دارند، صرفاً موازی بودن این وقایع را در پیرنگ اثبات می‌کنند، اما تطبیق دو اثر را نیز آسان‌تر می‌کنند. در ادامه، نقاط مشترک و متفاوت بررسی می‌شوند:

شباهت‌ها:

۱. دلیل سفر نخستین نقطه اشتراک است. در خاوران‌نامه پیامبر (ص) به خواب حضرت علی (ع) می‌آید و از وی می‌خواهد تا یادگاری را پیدا کند که حضرت سلیمان (ع) برای وی در کوه بلور قرار داده است (مرادی، ۱۳۷۸: ۱):

سلیمان به نزدیک من یادگار نهادست چیزی بر آن کوهسار
 بیاور تو آن تحفه از بهر من کز او شاد گردد دل انجمن^۳

به این ترتیب، هدف از سفر در هر دو متن یکسان است: در خاوران‌نامه آوردن یادگار حضرت سلیمان (ع) به نزد پیامبر و در حدیث شهر مسی آوردن کوزه‌های منتسب به حضرت سلیمان (ع) برای خلیفه وقت. ۲. حضرت خضر (ع) نیز در هر دو دست‌نوشته حضور دارد. در خاوران‌نامه راه را به گروه مسلمانان نشان می‌دهد (همان: ۳۵-۳۶) و زمانی که گروه از دریا به خشکی می‌رسد شاه و سپاهیان آن سرزمین از سیاهان زنگی و ترکان تشکیل شده است. در متن اَلْحَمِیَادُو، حضرت خضر (ع) باعث مسلمان شدن مردم سیاه‌پوست سرزمینی شده است که گروه به آن می‌رسد.

۳. وارد شدن به شهر، در حدیث شهر مسی نه از طریق دروازه بلکه تنها از طریق یک نردبان امکان‌پذیر است. در خاوران‌نامه نیز حضرت علی (ع) در دو اپیزود با استفاده از نردبان وارد شهر می‌شود: یک بار پیش از رسیدن به شهر زرین/شهر زر و در زمان روبه‌رو شدن با چاه ماران (همان: ۴۷۷) و بار دوم هنگام ورود به شهر زرین/شهر زر (همان: ۴۵۴).

۴. گروه، در هر دو اثر، برای ورود به برخی ساختمان‌ها و سالن‌های قصر با مشکلاتی روبه‌رو است که پس از حل کردن این مشکلات معماگونه موفق به راه‌یابی به این سالن‌ها می‌شود.

۵. در حدیث شهر مسی پس از مشاهده بدن مومیایی شده دختری که زنده به نظر می‌رسد، آن را نابود و متن روبه‌روی آن را می‌شکنند. در خاوران‌نامه صحبت از گوساله سامری می‌شود (همان: ۲۴۴)، که پس از نابود کردن آن، گروه راه را برای ادامه سفر باز می‌یابد.

۶. بیت‌هایی که در نکوهش دنیا و سقوط شاهان گذشته سروده شده‌اند نقطه مشترک دیگری هستند و مضمون آن‌ها مطابقتی جالب با متن فارسی دارند. برای مثال، در خاوران‌نامه بیت‌های زیر مشاهده می‌شود:

یکی تخته بر گوشه تخت دید	شگفتی بدو اندرون بنگرید
برو بر نوشته خطی چند بود	به شکلی که آن را نشاید گشود

(همان: ۴۹۲)

در ادامه و پس از بالا رفتن از نردبان، بیت‌های بسیاری در نکوهش جهان و از بین رفتن عظمت شاهان قدرتمند وجود دارد، از جمله:

به سر بر نهادند تاج مهان	ندیدند جز خود کس اندر جهان
هم آخر از او رخت برداشتند	دل از تاج و از تخت برداشتند
برفتند شاهان بیدار بخت	بهشتند بر دیگران تاج و تخت

(همان: ۴۹۳)

۷. در حدیث شهر مسی پیرمرد راهنما تنها فردی است که قادر به خواندن شعرهاست. در خاوران‌نامه

گروه به متنی برمی خورد که تنها پیرمردی که در آن نزدیکی زندگی می کند قادر به خواندن آن هاست و حضرت علی (ع) دستور می دهد وی را حاضر کنند:

همانگاه عمرو امیه ز شهر بیاورد پیری ز پیران دهر
 بردند تخته به نزدیک پیر نگه کرد دانای روشن ضمیر
 نوشته چنان بد که بس روزگار که بودم من اندر جهان شهریار

(همان: ۴۹۴)

نکته قابل توجه، نحوه شماره گذاری نصیحت ها و نکوهش هاست که بر اساس روزهای هفته است و از این دیدگاه با هفت نوشته حدیث شهر مسی تطابق دارد. بیتی در خاوران‌نامه ترتیب نوشته روی تخته را تعیین می کند. در این شعرها از روز جمعه ذکری به میان نیامده است و این احتمال وجود دارد که به دلیل فقدان واژه شنبه در نام این روز باشد:

ز هفتصد هزارم سخن رفته بود که بنیاد آن هفت بر هفته بود^۴

(همان: ۴۹۴)

۸. گریه کردن موسی (یا شاهزاده) پس از شنیدن بیت ها با گریه کردن شمامه (همان: ۴۹۳). در هر دو روایت، پس از شنیدن شعرهایی که در نکوهش دنیا و ناپایداری نعمت های آن و نابود شدن سلطنت شاهان قدیم هستند، مشخص می شود که دست کم یک نفر از افراد گروه گریه می کند.

۹. خارج کردن کوزه های حضرت سلیمان (ع) توسط ماهیگیران در حدیث شهر مسی و خارج کردن طلا و جواهرات توسط غواص ها در خاوران‌نامه به دستور پیامبر (ص):

برانگیز غواص و از آب زر برون آر و بر رفته ها غم مخور

(همان: ۵۱۲)

تفاوت ها:

۱. شاید مهم ترین تفاوت میان این دو دست نوشته عدم حضور حضرت علی (ع) به عنوان شخص نخست داستان باشد. باید در نظر داشت که احتمالاً در زمان نگارش متن های اَلْخَمِیَادُو در اسپانیا هنوز مسئله جانشینی ایشان پس از فوت پیامبر آنچنان و مانند امروز مطرح نبوده است، زیرا که ایشان حدود ۲۵ سال پس از فوت پیامبر و پس از حکومت سه خلیفه به رهبری رسیدند و به همین دلیل خاندان آن حضرت در میان نسل جدید مسلمانان تقریباً به دست فراموشی سپرده شده بود. حضرت علی (ع) در مدت کوتاه پنج ساله حکومت به دلیل جنگ های مختلف فرصتی قابل توجه برای شناساندن حق خود به عنوان خلیفه راستین پیدا نکرد و تمامی فرزندان و نسل ایشان نیز - به جز حضرت امام حسن (ع) که مجبور به کناره گیری شد -

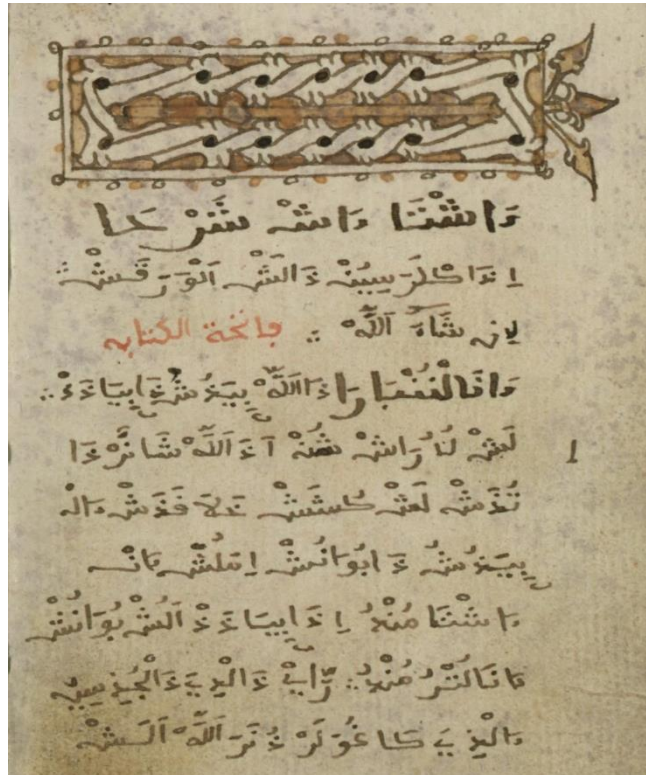
از رسیدن به خلافت محروم ماندند. به همین ترتیب، در بیشتر متن‌ها اشاره‌ای به امام علی (ع) یافت نمی‌شود. این احتمال نیز وجود دارد که روایت‌هایی که به اسپانیا رسیدند دچار تغییراتی شده باشند. با توجه به آنکه در شماری از دست‌نوشته‌ها آن حضرت به‌عنوان قهرمانی شبه‌حماسی معرفی شده است^۲، این پرسش مطرح می‌شود که چرا در حدیث شهر مسی اشاره‌ای به ایشان نشده است؟ برای یافتن پاسخ باید موارد و احتمال‌های زیر را در نظر گرفت: الف) اینکه اصلاً در دست‌نوشته شهر مسی حضرت علی (ع) به‌عنوان یکی از شخصیت‌های داستان معرفی نشده باشد. به عبارت دیگر، متن بدون دست‌کاری یا حذف و تغییر شخص نخست داستان، به اسپانیا رسیده باشد؛ ب) در صورتی که آن حضرت در داستان ذکر شده بوده پیش از یا پس از رسیدن روایت به اسپانیا، به دلیل مخالفت شدید با مبلغان شیعی در دوران اموی و عباسی، روایت دچار دستکاری عمدی شده باشد؛ ج) در خاوران‌نامه آن حضرت بارها در جنگ‌های مختلف شرکت می‌کند، اما در روایت اسپانیایی به این جنگ‌ها مطلقاً اشاره‌ای نشده است. با حذف جنگ‌ها ضرورتی برای معرفی ایشان به عنوان شخص نخست داستان احساس نشده باشد. همچنین عکس این مطلب نیز امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، جنگ‌های پی‌درپی حضرت علی (ع) در خاوران‌نامه به دلیل ارادت شدید شاعر به آن حضرت اضافه شده باشد. این احتمال با بررسی پیرنگ روایت و بی‌ارتباط بودن جنگ‌ها با کلیت داستان تقویت می‌شود؛ د) همچنین ممکن است که به دلیل عدم آشنایی کپی‌برداران در اسپانیا با آن حضرت، بخش‌های مربوط به ایشان حذف شده باشد.

۲. در متن *الْخَمِيَادُو*، برخلاف خاوران‌نامه، دیداری میان گروه با حضرت خضر (ع) صورت نمی‌گیرد. این تفاوت در ترتیب اپیزودی است که آن حضرت در روایت وارد می‌شود. در خاوران‌نامه حضرت خضر (ع) نخست به عنوان راهنمای گروه عمل و سپس مردمان سیاه‌پوست را به دین اسلام دعوت می‌کند، اما در داستان حدیث شهر مسی تنها از آن حضرت به عنوان عامل مسلمان شدن سیاه‌پوستان یاد می‌شود. همچنین نقش راهنما را نیز بر عهده ندارد.

۳. در متن فارسی حضرت علی (ع) پس از انجام موفقیت‌آمیز مأموریت به مبدأ سفر بازمی‌گردد و مورد استقبال پیامبر و اصحاب قرار می‌گیرد، اما در حدیث شهر مسی، رئیس گروه پس از انجام مأموریت و تحویل کوزه‌ها به خلیفه منزوی می‌شود. این احتمال وجود دارد که این تفاوت ناشی از آن باشد که داستان، در نظر تهیه‌کنندگان رونوشت پایان نیافته و این حس وجود داشته است که داستان همچنان ادامه دارد. به این ترتیب، روایت را با اضافه کردن اپیزودی با موضوع منزوی شدن رهبر گروه اعزامی به پایان رسانیده باشند. پایان خوش بازگشت قهرمانانه گروه مسلمان در برخی دست‌نوشته‌های دیگر *الْخَمِيَادُو* مشاهده می‌شود. به این ترتیب، دست‌نوشته حدیث شهر مسی، دست‌کم از این نظر، یک استثناست.

نتیجه‌گیری

تبادل داستان‌ها در میان ادبیات کشورهای جهان امری رایج است. بررسی تطبیقی متن الخَمیادو شهر مسی با خاوران‌نامه نشان می‌دهد که تأثیرپذیری برخی دست‌نوشته‌های یافت شده در اسپانیا فراتر از بن‌مایه‌های داستان‌های عامیانه است. هرچند پیرنگ و قهرمان اصلی دست‌نوشته‌های بررسی شده در این مقاله (با در نظر گرفتن اپیزودهای جنگ‌های حضرت علی (ع) در خاوران‌نامه) به طور کلی یکسان نیستند، اما شباهت‌های یافت شده میان آن‌ها این احتمال را افزایش می‌دهند که روایت‌های پارسی از طریق مسلمانان به کشور اسپانیا رسیده باشد و به غنی کردن ادبیات این کشور خدمت شایانی کرده باشند تا حدی که دست کم داستان شهر مسی را می‌توان یک رونوشت خلاصه شده و بازتابی مستقیم از خاوران‌نامه دانست. به این ترتیب باید به دور از غرض و تعصب ملی و مذهبی، دایره بررسی تأثیر زبان پارسی را در نهضت‌های علمی و ادبی جهان اسلام گسترش داد. امید می‌رود این مقاله کوتاه آغازی باشد برای دیگر محققان تا جایگاه فراموش و تحریف‌شده زبان و ادبیات پارسی و هویت ملی ایران را بازگردانند.



نمونه متن الخمیادو

یادداشت‌ها

۱. از جمله این آثار می‌توان به مناقب آل ابی طالب از ابن شهر آشوب که در آن به جنگ حضرت علی (ع) با اژدها اشاره شده است (فاموری و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵۷) و نیز به مناقب مرتضوی از محمد صالح کشفی ترمذی حنفی اشاره کرد.
۲. طیبه شیخ ویسی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به معرفی شاعر و قصاید این جنگ‌نامه پرداخته است. این پایان‌نامه در مهرماه ۱۳۹۵ در پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دفاع شده است.
۳. Aljamiado. این واژه در سرتاسر متن به دلیل تکرار بسیار به صورت عادی و نه خوابیده (ایتالیک) نوشته خواهد شد.
۴. بعید نیست که نضر توانسته باشد با استفاده از جاذبه فوق‌العاده داستان‌های پارسی و توانایی خود در موسیقی و سرودن روایت مشکلاتی جدی برای پیامبر ایجاد کرده باشد زیرا بلافاصله پس از دستگیر شدن در جنگ بدر، پیامبر (ص) دستور قتل وی را صادر کرد و به دست حضرت علی (ع) گردن زده شد. گفته می‌شود که هشت آیه از قرآن درباره وی نازل شده است؛ از جمله آیه ۱۵ سورة القلم: «هنگامی که آیات ما را بر او می‌خوانند، گوید: افسانه‌های پیشینان است».
۵. همان‌گونه که در متن بیان شد، ترجمه بنداری، احتمالاً نخستین ترجمه و ارائه رسمی عربی شاهنامه فردوسی است. گمان می‌رود ترجمه دیگری از این اثر به عربی وجود داشته که به دست ما نرسیده است.
۶. احتمالاً معاویه پایه‌گذار سنت داستان‌گویی و هدیه دادن به راویان در مرکز خلافت اسلامی بوده است. کیفیت این امر در میان خلیفه‌ها و فرزندان آن‌ها متفاوت بود. در مجالس هشام‌گاہ از ادبیات و تاریخ و وقایع جنگ‌ها و غیره بحث می‌شد، در حالی که مجالس سلیمان تنها به روایت‌های پوچ و بی‌پایه اختصاص داشت (Galmés de Fuentes, 1975: 26-27). ذکر این مطلب خالی از لطف نیست که متن آخمیادو این مقاله نیز با داستان‌گویی در مجلس یکی از خلفای اسلامی آغاز می‌گردد.
7. Stith Thompson's *Motif-Index of Folk-Literature: A Classification of Narrative Elements in Folktales, Ballads, Myths, Fables, Mediaeval Romances, Exempla, Fabliaux, Jest-Books, and Local Legends* (Bloomington, Indiana, 1955-1958).
۸. نخستین بار احمد آتش منظومه علی‌نامه را در «مجموعه زبان و ادبیات ترک» معرفی کرد؛ در نهایت به کوشش شفیع کدکنی با جزئیات در مقاله‌ای مفصل با عنوان «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم هجری» منتشر شد. فیلم آن نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

۹. به دلیل عدم دستیابی نگارنده این مقاله به متنی از مقاله ذکر شده که با شماره صفحه به درستی مشخص شده باشد، تنها به ذکر عنوان آن به جای ارجاع درون متنی اکتفا شده است.

10. Morisco

11. Biblioteca Nacional de Madrid

12. Biblioteca de CSIC (Consejo Superior de Investigaciones Científicas)

۱۳. مسلمانان پس از فتح اسپانیا چندین قرن در این کشور با آرامش زندگی کردند. با عقب‌نشینی نظامی مسلمانان و قدرت گرفتن مجدد مسیحیان در اسپانیا، مسلمانان و پیروان سایر ادیان از جمله یهودیان با پرداخت خراج به دولت از بیشتر امکانات از جمله فرستادن کودکان خود به مدرسه بهره‌مند شدند، اما با فتح گرانا در سال ۱۴۹۲ و شروع روند اجباری شدن تغییر دین به مسیحیت میان سال‌های ۱۴۹۹ تا ۱۵۲۶ شرایط برای غیرمسیحیان رو به وخامت گذاشت. این روند به اخراج تمامی غیرمسیحیان از اسپانیا منجر شد.

۱۴. این به آن معنا نیست که قبل از این قرن به هیچ وجه متنی به عربی در اسپانیا نوشته نمی‌شده است. برای مثال، دست‌نوشته‌هایی کشف شده‌اند که در آن‌ها مسلمانان نوکیش در خلال قرن‌های دوازده الی شانزدهم گواهی‌های قانونی از جمله ارث و قرض و قرارداد را به این زبان نوشته‌اند (Corriente, 1990: 19).

15. Segovia

16. *La Suma de los principales mandamientos de la ley alcoránica*

۱۷. اگرچه در منابع گوناگون از این متن‌ها به عنوان «گونه‌ای اسپانیایی» نام برده می‌شود (Casassas Canals, 2010: 3)، اما میان پژوهشگران اتفاق نظری در این مورد وجود ندارد و علی‌الظاهر صفت «اسپانیایی» صرفاً به این معناست که در این کشور نوشته شده‌اند و نه اینکه به زبان اسپانیایی تعلق دارند. نویسنده این مقاله تا این لحظه منبعی موثق را نیافته است که این متن‌ها را «کاملاً اسپانیایی» معرفی کند. از طرفی، این متن‌ها عربی خالص نیستند زیرا به وضوح بسیاری از کلمات غیرعربی در آن‌ها وجود دارد.

18. Gayangos

19. Real Academia de la Historia

20. Alberto Montaner Frutos

21. Galmés de Fuentes

22. *El Libro de las batallas*

23. *Relatos píos y profanos del manuscrito aljamiado de Urrea de Jalón*

24. Federico Corriente Córdoba

25. María Jesús Viguera Molínes

26. *Alhadiz de la ciudad de latón*

۲۷. این کلمه به معنای برنج، آلیاژی از مس و روی است. همان‌گونه که جلوتر مطرح خواهد شد، این نام با ترجمه فارسی و انگلیسی داستان به فارسی و انگلیسی تطابق دارد.
۲۸. یافتن شباهت‌ها میان نام‌ها در کل نمی‌تواند دلیل بازتاب یک روایت در دیگری باشد. در این بخش سعی شده است تمامی احتمال‌های ممکن مؤثر مطرح شوند.
۲۹. به عبارت دیگر در دست‌نوشته حدیث شهر مسی شانزده دفترچه ۱۲ برگه‌ای وجود دارد که به همراه دوازده برگه جداشده در مجموع ۲۰۴ را تشکیل می‌دهند.
۳۰. مجموعه XIII اصالتاً متعلق به لوئیس اسکریبنو Luis Escribano، یکی از مورسکوهای ساکن منطقه المُناسید د لا سی پیرا Almonacid de la Sierra، و برخی از نزدیکان وی بوده است که تا سال ۱۵۸۸ نگهداری و سپس تا سال ۱۸۸۴ به همراه متن‌های دیگر پنهان شده بوده است. متن آنالیز شده توسط منتز نیز احتمالاً در همین منطقه و در یک کار گروهی (وورکشاپ) کپی شده است (Montaner, 1988a:18;24-25). شایان ذکر است که واژه escribano خود به معنای کاتب است.

31. Aragón

۳۲. در متن به اشیایی کروی شکل یا به صورت قمقمه اشاره شده است، اما از آنجا که در ادامه این اشیا به فرم بدن آدم توصیف شده‌اند، قاعدتاً نمی‌توانند کروی شکل باشند.
۳۳. موسی بن نصیر نام فرمانده مسلمانان در فتح آندلس، یکی از بزرگ‌ترین استان‌های اسپانیا، بوده است. در تاریخ طبری آمده است: « فتح الاندلس و فیها غزا طارق بن زیاد مولی موسی بن نصیر الاندلس فی اثنی عشر ألفاً، فلقی ملک الاندلس - زعم الواقدی انه یقال له ادرینوق، و کان رجلاً من اهل أصبهان» (طبری، ج ۶: ۴۶۸).
۳۴. Mia I. Gerhardt. نویسنده این مقاله از نحوه تلفظ درست نام خانوادگی این محقق بی‌اطلاع است.

35. Saavedra

۳۶. در این مقاله سعی بر آن بوده است تا نهایت اطلاعات ممکن در اختیار خواننده قرار گیرد، اما باید در نظر داشت که متن حدیث شهر مسی بسیار طولانی است و ارائه خلاصه‌ای از آن برای نخستین بار در زبان فارسی، کاری دشوار. به منظور پرهیز از ملال‌آور شدن خلاصه، تنها دو مورد از شعرها در متن اصلی قرار دارند و سایر آن‌ها در بخش پی‌نوشت آمده‌اند.
۳۷. در متن به عنوان کاپیتان معرفی شده است.
۳۸. به احتمال بسیار زیاد این نام‌ها و شخصیت‌ها ساختگی و غیر واقعی هستند که البته در دست‌نوشته‌های قدیم امری رایج است. در هزار و یک شب این افراد به ترتیب طالب بن سهل و عبدالصمد بن عبدالقدوس صمودی نام دارند (رجبی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

۳۹. زبانی به نام موریسکو وجود ندارد. منظور راهنمای گروه، احتمالاً زبان مسلمانان مقیم اسپانیاست.
۴۰. تمامی ترجمه‌ها توسط نویسنده این مقاله انجام شده‌اند.
۴۱. در تمامی شعرها کلمه‌های داخل قلاب توسط نویسنده جهت فهم بهتر اضافه شده‌اند و در متن اصلی نیستند.
۴۲. ترجمه شعر: آنچه به تو می‌رسد برای دیگری به دست می‌آوری و نمی‌دانی چه کسی پس از تو از آن بهره خواهد برد. چشم از حرام بپوش و قلبت را محفوظ و ترسانگه دار و از برای خود اعمال نیک انجام ده زیرا که بر اساس آنچه انجام دهی پاداش دریافت خواهی کرد و [هش‌دار] که آرزوی دنیا تو را نفریبد و به آن دنیای تو ضرر نزند و بدان که آنچه از بد یا نیک بکاری همان را غنیمت خواهی گرفت، همان‌طور که من و تو که در رفاه هستیم و یکی از ما سقوط کند همانند [وضعیت اکنون] من که سقوط کرده و بر زمین خورده‌ام و چشمانم از جای خود درآمده‌اند. به این ترتیب، [این اتفاقات] برای تو نیز رخ خواهد داد. اگر اکنون بر پای ایستاده‌ای و چشمانت گریانند، اگر از ترس پروردگار خود می‌گریی، ترسی نیک است و گورها را بنگرید (۱۱) و در آن مکان‌ها نزدیکان خود را پیش از مرگ بجوید که زیبایی دنیا و لذت‌های آن و نعمت‌های آن [در این گورها] نیستند بلکه همچون رعدوبرقی سترگ که دنیا به خاطر در طلب بودن آن به تو می‌رساند و تو را مجازات می‌کند. [بنگر!] چندین پدر و مادر و برادر و خواهر در این دنیا در زیر خاک قرار گرفتند و درگذشتند! مرگ به آن‌ها رسید همان‌گونه که به تو خواهد رسید و تو [نیز] به آن‌ها نزدیک و ملحق خواهی شد. [...] زندگی خواهی کرد اینجا نخوانی و از آنچه اینجا نوشته شده است، خودت را مجازات نکنی (Corriente, 1990: 232). مخاطب در متن به دفعات از دوم شخص مفرد "تو" به دوم شخص جمع "شما" یا سوم شخص جمع "آن‌ها"، ایشان تغییر می‌کند و ترجمه نیز بر همین اساس انجام شده است. بخشی که در کرشه آمده مطابق متن کتاب است و موجود نیست. مشخص نیست آیا در دست‌نوشته وجود داشته است یا خیر؟ و اینکه آیا شخصی که متن را تبدیل کرده نتوانسته است این بخش را بخواند یا به دلیل آسیب‌هایی که به مرور زمان به وجود آمده‌اند متن قابل خواندن نبوده است. به همین دلیل و به نظر نویسنده این مقاله، جمله‌های پایانی (...زندگی خواهی کرد اینجا نخوانی و از آنچه اینجا نوشته شده است، خودت را مجازات نکنی) به نظر درست نمی‌رسند. در ضمن باید توجه داشت که در ترجمه این متن‌ها مانند بسیاری از ترجمه احادیث و ... زیبایی ادبیات فارسی تأثیر فراوانی دارد. به عبارت دیگر، بسیاری از جمله‌ها و سخنان که ترجمه شده‌اند به خودی خود زیبا و تأثیرگذار نیستند بلکه یک مترجم به دلیل احترام به افراد مقدس و مذهبی (پیامبران، امامان و ...) نهایت تلاش خود را برای به کار بردن بهترین واژه‌ها می‌کند. نویسنده این مقاله نیز همین روال را در پیش گرفته است.
۴۳. در متن مشخص نیست شخصی که پس از شنیدن اشعار گریه می‌کند موسی بن نصیر باشد زیرا گاه به صورت

«شاهزاده به شدت گریه می‌کند» آمده است. از آنجا که سرپرستی این گروه را موسی بر عهده دارد، برداشت نویسنده این مقاله آن است که منظور از شاهزاده همان موسی باید باشد زیرا در بخش‌هایی نیز «شاهزاده موسی» مشاهده می‌شود.

۴۴. ترجمه شعر: در این مکان درنگ کن و بر نوشته‌ها نیک بنگر، از برای آنکه به ایمان در آن گفته‌ها ادامه دهی و درنگ کن تا نصیحت ما بشنوی! ای غافل! که در نهایت ناآگاهی [هستی]، مرگ [از تو] غافل نیست. آن که می‌خندد نمی‌داند که هر روز با مرگ خود همراه است، و آیا به خاطر می‌آوری چه بر سر پادشاهان نخستین و تمام مردمانی که تا این لحظه در این دنیا بودند آمد؟ این مثال را [در نظر] داشته باش تا بدانی که تو نیز [به طور حتم] خواهی مرد (Corriente, 1990: 232-233).

۴۵. در دست‌نوشته‌های اَلْخَمَیادو معمولاً از واحد اندازه‌گیری به معادل آن در فارسی که در حدود «آرنج دست» است، صحبت می‌شود. نویسنده این مقاله، برای فهم آسان‌تر یک آرنج را معادل نیم متر در نظر گرفته است.

۴۶. ترجمه شعر: بگذار اشک‌هایت سرازیر شوند و با گریه‌های اندوه و توبه [همراه شو]. ای غافل! این گونه خودت را با [یاد] مرگ هشدار ده! تو نیز سقوط خواهی کرد. به یاد آور پادشاهان گذشته را. کجایند پادشاهان [ثروتمند و با حکومت] گسترده و کجایند [فقر] و مستمنداها؟ و اهالی [قوم] عاد و ثمود که مرگ آن‌ها را به پایان [و نابودی] رسانید. لشگرهایشان که جنگ‌های بسیاری کردند نه زره‌های نیکشان نه قلعه‌های مستحکمان خرسندشان نکرد از مرگ [و آن‌ها را نرهانید]. زندگی مرفه‌شان کجاست؟ نگهبانانی که از آن‌ها محافظت می‌کردند کجایند و چه بر سرشان آمد؟ ای دوست! گمان می‌کنی مرگ [برای تو] نیست و [تنها] برای دیگران اتفاق می‌افتد؟ قصرهایشان را مستحکم ساختند و دیوارهایشان را بالا بردند. اما نه! در آن‌ها [قصرها] مردند و گوشتشان را کرم‌ها خوردند و مردمانشان به خاک تبدیل شدند، پس هر کسی با اعمال خود همراه شد. خاموش باش و پیش از مرگ دست به کار شو. ای غافل! [هش دار تا] دنیا تو را نفریبد که نعمت‌های آن از تو گرفته خواهد شد و وای بر تو اگر مرگ به تو برسد و در غفلت به سربری! (Corriente, 1990: 233-234). شعرهای دیگری در متن روایت وجود دارند که به دلیل طولانی بودن آورده و ترجمه نشدند. شعرهای ترجمه شده صرفاً به عنوان نمونه و برای آشنایی خواننده با موضوع و محتوا ذکر شدند.

۴۷. La Casa Santa. به احتمال زیاد منظور «مجمع مقدس» مسیحیان باشد. در متن هیچ اشاره یا توضیحی درباره این مکان یا مجمع ارائه نشده است.

۴۸. در متن دختر زنده به نظر می‌رسد به گونه‌ای که به وی سلام می‌کنند، اما زمانی که پاسخ نمی‌دهد متوجه مرده بودن وی می‌شوند. پیرمرد توضیح می‌دهد که چشمان دختر را پس از مرگ وی به روشی (احتمالاً مشابه مومیایی) درست کرده‌اند و زمانی که باد می‌وزد چشمان وی به حرکت درمی‌آیند به گونه‌ای که زنده به نظر می‌رسد.

۴۹. علی‌الظاهر فردی است که روایت را برای خلیفه مسلمانان تعریف کرد.

۵۰. برخی از بن‌مایه‌های مجموعه تامپسون متناسب با این داستان به شرح زیر هستند:

G307.4. G307.4. *City infested by jinns deserted. India: Thompson-Balys; F499.3.F499.3. Jinns; G307. G307. Jinn. India: Thompson-Balys; B11. B11. Dragon.*
51S300—S399, *Abandoned or murdered children, and many of the motifs in S200—S299, Cruel sacrifices.*

52F761.1.1. F761.1.1. *City with hundred palaces and gardens; in one everything is of gold, in another, silver, etc. India: Thompson-Balys.*

۵۳. بیت‌های ذکر شده در این متن در نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت ۲۰۸۳۶۷ و شماره قفسه ۱۷۲۰۲ نیز آورده شده‌اند. این نسخه، تا آنجا که نویسنده این مقاله اطلاع دارد، بدون تاریخ است.

۵۴. در صفحه ۳۲۶ نسخه شماره ۲۳۷۲۱ در کتابخانه ملی این بیت به صورت زیر آمده است:

ز هفتصد سوارم مر افکنده بود که می‌بود این هفت در هفته بود

۵۵. نویسنده این مقاله در حال نگارش پایان‌نامه دکتری در حوزه ادبیات تطبیقی با موضوع «بازتاب شاهنامه و آثار تقلیدی از آن در دست‌نوشته‌های اَلْحَمِیادو» در دانشگاه اُیبدو در اسپانیا است که امید است در سال ۱۴۰۳ به انجام برسد. در این دست‌نوشته‌ها حضرت علی (ع) شماری از ویژگی‌های جنگاوری (از جمله نیروی فوق‌العاده، رویارویی با لشگر دشمن به تنهایی و فرار آن‌ها از وی، شمشیر با قدرت خاص، ...) را دارد. اما همان‌گونه که ذکر آن رفت، منظومه‌های دینی اغلب برخی از مؤلفه‌های یک اثر حماسی (اغلب مؤلفه ملی‌گرایی) را ندارند و نباید این واژه را برای آن‌ها به کار برد و واژه شبه‌حماسی هرچند غیرمعمول است برای این منظومه‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

کتاب‌نامه

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸). متون منظوم پهلوانی: منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه. تهران: سمت.
- بگ‌جانی، عباس؛ دبیران، حکیمه. (۱۳۸۹). «کتاب‌شناسی منظومه‌های دینی درباره امام علی (ع)». مطالعات و تحقیقات ادبی. شماره ۱۴ و ۱۵. ۴۷-۶۹.
- حق‌شناس، شهربانو. (۱۳۹۰). داستان داستان‌ها: تأملی بر خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- خوسفی، ابن حسام. خاوران‌نامه. کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت ۲۰۸۳۶۷.
- دینوری، ابن قتیبه. (۱۳۴۶). اخبار الطوال. ترجمه صادق نشأت. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- رجبی، فرهاد؛ دلشاد، شهرام. (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی حکایت «شهر مس» در بستر تاریخ و افسانه». مطالعات تطبیقی فارسی و عربی. سال ۶. شماره ۸. ۱۰۷-۱۲۶.
- رمضانی، علی اکبر؛ عطا شیبانی، فریبا. (۱۳۹۵). «جلوه‌هایی از حضور امام علی (ع) در شعر ابن حسام خوسفی». گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. ۲۶۶۰-۲۶۴۴.
- ساکت، سلمان. (۱۳۸۸). «پایان‌نامه‌های تصحیح نسخ خطی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد». گزارش میراث. شماره ۳۵. ۷۱-۷۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». خرد و کوشش. شماره ۱۱ و ۱۲. ۹۶-۱۱۹.
- شهبازی، اصغر. (۱۳۹۳). «حماسه‌سرایی دینی در ادب فارسی». آینه میراث. دوره ۱۲. شماره ۲. (پیاپی ۵۵). ۱۸۳-۲۱۰.
- شیخ‌ویسی، طیبه. (۱۳۹۵). تصحیح انتقادی دیوان قصاید سیدطاهر آتشی شیرازی خباز. پایان‌نامه ارشد. پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۳۲). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: پیروز.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۴۷). تاریخ علوم و ادبیات ایرانی. چاپ اول. تهران: ابن سینا.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران: از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری. جلد پنجم. بخش نخست. تهران: فردوس.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۴۶). تاریخ الطبری: تاریخ الامم و الملوک. جلد ۶. بیروت: روائع التراث العربی.
- فاموری، مهدی؛ علیپور، هاجر؛ خالق‌زاده، محمد مهدی. (۱۴۰۲). «برخی منابع تاریخی داستانهای اعجاز‌آمیز در جنگ‌نامه آتشی شیرازی». بهار ادب. دوره ۱۶. (پیاپی ۸۷). ۲۴۵-۲۶۲.

قائمی، فرزاد. (۱۴۰۰). «رستم را که کشت؟ بهمن یا شغاد: تحلیل منابع داستان فرجام رستم بر پایه تطبیق اسناد رسمی و عامیانه». دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال ۹. شماره ۴۱. ۲۸۵-۳۲۰.

محبوب، محمد جعفر. (۱۳۷۱). آفرین فردوسی. تهران: مروارید.

مرادی، حمیدالله. (۱۳۷۸). تصحیح خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی. پایان نامه ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- Casassas Canals, Xavier. (2010). "La literatura aljamiado-morisca en el marco de la literatura islámica española: siglos XIII-XVII (una variedad del castellano vinculada al hiero-sprachbund islámico)." *Los moriscos y su legado desde ésta y otras laderas*, edited by Fatiha Benlabbah and Achouak Chalkha, Rabat: Instituto de Estudios Hispano-Lusos. 368-96.
- Corriente Córdoba, F. (1990). *Relatos píos y profanos del manuscrito aljamiado de Urrea de Jalón*. Zaragoza: Institución Fernando el Católico.
- Feizabadi, S. (2019). *Un Corán abreviado aljamiado-morisco, (Ms. T 5 de la colección Gayangos, RAH: azoras I-XXXVI) Edición y glosario morfosintáctico*. Oviedo: Universidad de Oviedo.
- Galmés de Fuentes, Á. (1975). *El Libro de las batallas*. Madrid: Gredos.
- Montaner Frutos, A. (1988a). *El recontamiento de al-Maqdâd y al-Mayâsa*. Zaragoza: Institución "Fernando el Católico".
- Montaner Frutos, A. (1988b). The historical *ġāzī* and the legendary *fāris*: a case study. *Ġāzī and Ġazw in Muslim Literature and Historiography*. ed. Francesca Bellino and Michele Bernardin. Cambridge: Cambridge Scholars Publishing, [in press].
- Shafa. Sh. (2000). *De Persia a la España musulmana: la historia recuperada*. [trans. María Ángeles Gallego García]. Huelva: Universidad de Huelva.